

حسین مرادی، مجتبی سلطانی، حسین سرحدی دادیان



هنر باستانی بلوچستان؛

سنگ نگاره های سراوان



هنر باستانی بلوچستان؛
سنگ نگاره های سراوان



هنر باستانی بلوچستان؛ سنگ‌نگاره‌های سراوان

حسین مرادی
مجتبی سلطانی
حسین سرحدی دادیان



آرشیو پارسی
پلن فیدوز

پژوهش‌های ایران فرهنگی، ۲۲
دبیر: محسن شهرنازدار

این کتاب با حمایت
سازمان منطقه آزاد چابهار
منتشر شده است.



موضوع: سنگ‌نگارها - ایران - سراوان
موضوع: Petroglyphs - Iran - Saravan
موضوع: سنگ‌نگارها - ایران - سیستان و بلوچستان
موضوع: Petroglyphs - Iran - Sistan and
(Baluchestan Province)
موضوع: نقاشی‌های روی صخره - ایران - سراوان
موضوع: Rock paintings - Iran - Saravan
شناسه افزوده: شهرنازدار، محسن، ۱۳۵۶ - نویسنده مقدمه
شناسه افزوده: شهرنازدار، محسن، ۱۳۵۶ - دبیر
رده بندی کنگره: DSR35
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۷۲۷
شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۶۶۸۳۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

سرشناسه: مرادی، حسین
عنوان و نام پدیدآور: هنر باستانی بلوچستان؛ سنگ‌نگارهای سراوان /
حسین مرادی؛ مجتبی سلطانی، حسین سرحدی دادیان
تهران: موسسه آبی پارس؛ انتشارات پل فیروزه
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری: ۳۰۴+۲ ص.؛ ۱۴×۲۱ س.م
فروست: پژوهش‌های ایران فرهنگی ۲۲
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۶۲-۰۹-۲
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

چاپ یکم: ۱۴۰۰
شمارگان: ۷۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۶۲-۰۹-۲
آماده‌سازی فنی: موسسه آبی پاریسی
نسخه‌برداری: فائزه حجاری‌زاده
صفحه‌آرایی: بهمن لطفی
چاپ و صحافی: پردیس دانش
طرح جلد: آتلیه آبی پاریسی

هنر باستانی بلوچستان؛
سنگ‌نگارهای سراوان
حسین مرادی
مجتبی سلطانی
حسین سرحدی دادیان؛ دانشیار باستان‌شناسی دانشگاه زابل
موسسه آبی پاریسی؛ انتشارات پل فیروزه

تصویری روی جلد: نمای نزدیکی از سنگ‌نگاره دوره نگاران

نشانی: تهران - خیابان پاسداران - بوستان دوم - پلاک ۲۷ - طبقه اول / کدپستی: ۱۶۶۴۶۶۵۱۱۱ / تلفن: ۰۲۱-۲۲۷۹۶۱۴۸ / وبسایت: pbinsite.ir

بازنشر این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، نیاز به دریافت اجازه رسمی و مکتوب از ناشر دارد.

فهرست

۷ یادداشت دبیر مجموعه

۱۳ دیباچه و یادی از زنده‌یاد مجتبی سلطانی

فصل نخست: مقدمه‌ای بر هنر صخره‌ای

۲۱ هنر صخره‌ای و سنگ‌نگاره‌ها

۲۹ پراکندگی سنگ‌نگاره‌ها در ایران

فصل دوم: محیط طبیعی و جغرافیای انسانی بلوچستان

۴۱ اقلیم و طبیعت بلوچستان

۴۷ جغرافیای انسانی بلوچستان

۵۱ جغرافیای طبیعی و آب‌وهوای سراوان

فصل سوم: پژوهش‌های باستان‌شناسی و مطالعات

مرتبط با سنگ‌نگاره‌ها در جنوب شرق ایران

حوزه بلوچستان

۵۹ پیشینه پژوهش‌های باستان‌شناسی در بلوچستان

پیشینه پژوهش‌های باستان‌شناسی و پراکندگی

۶۳ سنگ‌نگاره‌ها در بلوچستان

آثار و محوطه‌های باستانی منطقه سراوان و

۶۷ داده‌های باستان‌شناختی در ارتباط با سنگ‌نگاره‌ها

فصل چهارم: سنگ نگاره‌های سراوان

۷۹	دره مرزبانیک
۱۰۹	دره نگاران
۱۳۹	دره دورآب یا آب‌انار
۱۵۳	بندیک
۱۶۷	دره گیدبست
۱۷۵	سنگ نگاره‌های دره کهنانی
۱۸۵	پیرهنجیرگ
۱۸۹	نگاره‌های لنگرکوران
۱۹۱	سنگ نگاره‌های گولم ریپان

پیوست یک

	بررسی و تحلیل سنگ نگاره‌های دره بندیک
۱۹۵	سراوان، بلوچستان ایران

پیوست دو

	تجسم هنر بومی در سنگ نگاره‌های دره
۲۱۳	مرزبانیک شهرستان سراوان، بلوچستان ایران

پیوست سه

	تاریخ گذاری سنگ نگاره‌های سراوان بر پایه
۲۴۷	شواهد باستان شناختی
۲۶۷	فهرست منابع
۲۸۳	فهرست تصاویر
۲۹۷	نمایه

یادداشت دبیر مجموعه

بلوچستان سرزمینی کهن و باستانی است. یافته‌های باستان‌شناختی و مواد فرهنگی برجای مانده از تمدن‌های هزاره‌های پنجم تا سوم پیش از میلاد بر این ادعا گواهی می‌دهند. این یافته‌ها همچنین نشان می‌دهند که استقرارهای سامان یافته مستقر در این بخش از فلات ایران، هم‌زمان که با دیگر حوزه‌های تمدنی ایران تا میان‌رودان در ارتباط بوده، نقش پلی برای اتصال میان تمدن‌های باستانی ایران و شبه‌قاره هند را نیز ایفا می‌کرده است.

باستان‌شناسی پیشاتاریخ بلوچستان، از قرن نوزدهم و با کنجکاوای‌های مستشاران بریتانیایی درباره تمدن‌های پیشین و جمع‌آوری آثاری آغاز شده است که بدون کاوش علمی به دست می‌آمدند. آن‌ها علاوه بر انجام وظیفه سیاسی خود در مسیر استیلا و مداخلات مرزی میان ایران و هند، به مطالعات زمین‌شناسی و اقلیمی و یا شناسایی و گردآوری آثار باستانی علاقه نشان داده‌اند.

بر این مبنا باستان‌شناسی در این سرزمین دو فصل متفاوت دارد؛ فصل اول به دوره نفوذ و استیلای امپراطوری بریتانیا در منطقه بازمی‌گردد و شامل جمع‌آوری آثار و اشارات باستان‌شناختی است که مستشارانی همچون هنری مک‌ماهون^۱،

1. Sir Vincent Arthur Henry McMahon

ادوارد موکلر^۱، سر پرسی سایکس^۲ و دیگران گرد آورده و یا نوشته‌اند و فصل دوم در بردارنده گزارش‌های علمی و مدون باستان‌شناختی بلوچستان است که از کاوش‌های سر مارک اورل اشتاین^۳ در دهه‌های اول قرن بیستم آغاز می‌شود و با کاوش در محوطه‌های باستانی شمال و جنوب بلوچستان و کناره‌های دریای عمان ادامه می‌یابد. این در حالی است که چند دهه پیش از حضور اشتاین، در میان اسناد طبقه‌بندی‌شده قرن نوزدهم بریتانیا درباره بلوچستان، نام سر هنری راولینسون^۴ نیز به چشم می‌خورد؛ دیپلمات عالی‌رتبه دولت راج بریتانیا^۵ که مقامی یگانه و مهم در باستان‌شناسی و تاریخ باستان ایران و نیز زبان‌های باستانی داشت مدت مدیدی در بلوچستان خدمت می‌کرد. او نخستین کسی است که کتیبه‌های بیستون را رمزگشایی کرده و متن آن را خوانده و در دهه‌های پایانی عمر نیز رئیس موزه مهم بریتانیا بوده است. راولینسون با اینکه مدت قابل توجهی در بلوچستان حضور داشته و از جمله خفیه‌نویسان فعال و حاضر در اقصی نقاط بلوچستان بوده، اما از فعالیت‌های باستان‌شناختی خود در بلوچستان ردی به جا نگذاشته و در اسناد و گزارش‌های محرمانه بریتانیا نیز اشاره‌ای به فعالیت‌های باستان‌شناختی او در این سرزمین نشده است. به همین دلیل تاریخ نخستین کاوش‌های علمی باستان‌شناسی در بلوچستان همچنان با نام اشتاین گره خورده است. این باستان‌شناس مجارستانی‌الاصل تبعه بریتانیا در پی اثبات رابطه میان تمدن سند و میان‌رودان بوده و مکان‌های باستانی متعددی در بلوچستان را شناسایی و به ثبت رسانده است. در دهه بیست و سی، نخستین باستان‌شناسان شرقی در کاوش‌های منطقه مشارکت کردند. از جمله باید از کاوش‌های نانی گوپال ماجومدار^۶ باستان‌شناس هندی تبار در دره سند یاد کرد.

1. Edward Mockler

2. Sir Percy Sykes

3. Sir Marc Aurel Stein

4. Sir Henry Creswicke Rawlinson

5. British Raj

6. Nani Gopal Majumdar

با این حال در دههٔ چهل و سال‌های پس از جنگ که همزمان با استقلال پاکستان بود، باستان‌شناسی در این کشور تازه تأسیس و ایالت بلوچستان همچنان در انحصار بریتانیا قرار داشت و کاوش‌هایی در بلوچستان پاکستان و حوالی کوئته توسط باستان‌شناسانی همچون استوارت پیگوت^۱، روبرت رایکس^۲ و دیگران انجام شد.

در میان باستان‌شناسان بریتانیایی فعال در بلوچستان دههٔ چهل میلادی، نام بناتریس دکاردی نیز به چشم می‌خورد.^۳ او که مطالعات میدانی در بلوچستان را از این دوره آغاز کرده بود، در دههٔ شصت تپهٔ بمپور را مورد کاوش قرار داد و آثاری از تمدن‌های هزاره‌های سوم پیش از میلاد به دست آورد.

در دههٔ شصت کاوش‌های مهم گری هیوم^۴ در لادیز بلوچستان به کشف آثاری از دورهٔ پارینه سنگی قدیم انجامید که «لادیزی» نام گرفت و در میان آثار مکشوف این دوره در غرب آسیا از اهمیت بسزایی برخوردار شد. علاوه بر او و در دههٔ هفتاد ویتا فینزی و کوپلند نیز در سواحل مکران ابزارهایی از دورهٔ پارینه سنگی یافتند.^۵ پس از بریتانیا، فرانسه و ایتالیا به کاوش‌های باستان‌شناسی در بلوچستان روی آوردند. کاوش‌های مهرگره و کشف تمدن‌هایی از هزاره‌های پیش از میلاد در حاشیهٔ رود بولان و نیز کاوش‌های منطقهٔ پیرک سبی و نوشهرو در بلوچستان پاکستان از جمله فعالیت‌های باستان‌شناسی فرانسویان در بلوچستان است.

از همین دوران است که باستان‌شناسان ایرانی در تیم‌های کاوش باستان‌شناسی منطقه حضور یافتند و همزمان با توسعهٔ نظام آکادمیک باستان‌شناسی در ایران و بازگشت تحصیل‌کردگان ایرانی این رشته، مدیریت برخی سایت‌های کاوش

1. Stuart Piggott

2. Robert L. Raikes

3. See: de Cardi, Beatrice, 1983. *Archaeological Surveys in Baluchistan*, 1948 and 1957, First Published: Routledge

4. Gary. W. Hume

5. See: Vita-Finzi, C. and Copeland, L. (1980), *Surface Finds from Iranian Makran*, Iran Vol. 18, pp. 149-155

باستان شناسی در منطقه را به دست گرفتند. به طوری که در طی چند دهه گذشته مهم ترین پژوهش های باستان شناسی جنوب شرقی ایران توسط باستان شناسان ایرانی انجام شده و از جمله مهم ترین نتایج آن، کاوش در محوطه های نویافته باستانی و کشف آثاری از هزاره چهارم پیش از میلاد در حاشیه رودخانه بمپور بوده است.

با این حال به وضوح آشکار است که نه تنها مطالعات باستان شناختی بلکه هرگونه گرایش مطالعاتی در حوزه فرهنگ شناسی ایرانی نمی تواند و نباید در جغرافیای سیاسی امروز ایران و یا اندیشه های نوپای ملی گرایی در کشورهای تازه تأسیس محدود بماند. به عبارت دیگر شناخت تمدن های دیرین و آگاهی از ویژگی های فرهنگی و اجتماعی جوامع کهن نیاز به کاوش و مطالعات در سرزمین هایی دارد که بسیاری از آن ها امروزه توسط مرزهای سیاسی تفکیک شده اند. اما همان طور که اهمیت قرارگیری و جانمایی کوچک ترین اشیای باستانی در محوطه کاوش، در شناخت روابط اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی اجتماعات و جوامع کهن نقش ایفا می کند، قرارگیری محوطه های باستانی در پهنه های وسیع جغرافیایی و مقایسه تطبیقی و یافتن سرنخ های ارتباطی میان این جوامع، در ترسیم نقشه ای وسیع از گذشته باستانی این سرزمین ها بسیار حائز اهمیت است. در نتیجه دستیابی به نتایج قابل تعمیم و استناد، مستلزم مطالعات همسنگ در جغرافیای فرهنگی وسیع تری است که بی شک پا را از مرزهای سیاسی امروز فراتر می گذارد. به این ترتیب باستان شناسی بلوچستان در زنجیره ای از مطالعات باستان شناختی از حفاری های دره سند تا شبه قاره هند و کاوش ها و مطالعات باستانی حاشیه هلیل رود تا میان رودان قرار دارد و انتشار هر اثر تازه که به این حوزه پرداخته باشد، همچون نوری است که بر تاریکی های تاریخ تمدن های این پهنه وسیع می افکند. در مجموعه پژوهش های ایران فرهنگی ویژه بلوچستان، تاکنون دو کتاب در حوزه باستان شناسی منتشر شده است. نخستین کتاب اثری ارزشمند از دکتر سید منصور سید سجادی باستان شناس شهیر ایرانی است که بخش هایی از پژوهش های کتابخانه ای و کاوش های میدانی او در طی چند دهه گذشته در سیستان

و بلوچستان را در بر دارد. کتاب دوم نیز ترجمه دکتر حسین مرادی از گزارش کاوش بناتریس دکاردی در تپه باستانی بمپور است.

کتاب حاضر سومین اثر از این مجموعه در حوزه باستان‌شناسی بلوچستان نیز توسط دکتر سجادی به مجموعه پژوهش‌های ایران فرهنگی معرفی شده و حاصل مطالعات میدانی حسین مرادی و دو تن دیگر از اعضای گروه بررسی باستان‌شناسی سراوان، زنده‌یاد مجتبی سلطانی و حسین سرحدی دادیان است. این کتاب علاوه بر آنکه مجموعه سنگ‌نگاره‌های سراوان را مورد بررسی قرار می‌دهد، حاوی اطلاعات ارزشمندی از هنر صخره‌ای و پراکندگی آثاری از این دست در ایران است. درعین حال با بررسی محیط طبیعی و جغرافیای انسانی بلوچستان، نقش این عوامل را در شکل‌گیری استقرارهای سامان‌یافته در این منطقه مورد بررسی قرار می‌دهد. امیدوارم انتشار این اثر مورد توجه محققان باستان‌شناس و نیز علاقه‌مندان به تاریخ و فرهنگ بلوچستان قرار گیرد.

محسن شهرنازدار

دیباچه و یادی از زنده‌یاد مجتبی سلطانی

هنر صخره‌ای یکی از چهارراه‌های پیشاتاریخی و تاریخی آفرینش‌های مادی در زمینه برهم‌کنش انسان و طبیعت است که پیوندگاه پدیده‌های باستان‌شناختی و زیبایی‌شناسی نیز به‌شمار می‌رود. پژوهش روی سنگ‌نگاره‌ها و آثار مرتبط با هنر صخره‌ای موضوع جدیدی در دانش باستان‌شناسی به‌شمار نمی‌رود؛ اما به نسبت تعداد و گسترهٔ پراکنش جغرافیایی این پدیده‌ها در پهنهٔ گونه‌گون فلات ایران، این حوزه پژوهشی در میان بسیاری از پژوهشگران وطنی موضوعی غریب و نه چندان جذاب بوده و هنوز آن‌طور که شایسته است نتوانسته پویندگان دانش هنرهای باستانی را مجذوب خود کند. به‌ویژه آنکه این آثار در مناطقی همانند بلوچستان متمرکز بوده‌اند که پای باستان‌شناسان کمتر به آنجا باز شده است.

برای من اگرچه نخستین مواجهه و مکاشفه با سرزمین پر رمز و راز بلوچستان به سال ۱۳۸۰ش و نخستین سفر کاری‌ام به سراوان همراه با دوستان میراث فرهنگی استان برمی‌گردد، پیشینهٔ آشنایی‌ام با سنگ‌نگاره‌های سراوان به گزارشی از سنگ‌نگاره‌های درهٔ نگاران برمی‌گردد که سال ۱۳۸۰ محمد حیدری از کارشناسان سازمان استان سیستان و بلوچستان تهیه کرده بود. بعدها و در جریان سفرها و مطالعات دیگرم در حوزهٔ باستان‌شناسی بلوچستان به ارزش و اهمیت مجموعه سنگ‌نگاره‌های سراوان پی بردم. آن روزها اتفاقاً مجتبی سلطانی در جریان

بررسی باستان‌شناسی در نیکشهر، سنگ‌نگاره‌های قصرقند را دیده بود و تصمیم داشت پایان‌نامه ارشدش را دربارهٔ هنر صخره‌ای نیکشهر بنویسد. سال ۱۳۸۹ و هنگام بررسی باستان‌شناسی سراوان که سرپرست آن بودم، هنوز هیچ‌کس جذب پژوهش بر روی سنگ‌نگاره‌های سراوان نشده بود و این آثار ارزشمند همچنان در محاق کم‌توجهی مانده بودند. من آن سال از زنده‌یاد مجتبی سلطانی که شیفته و شیدای هنر صخره‌ای شده بود، خواستم که با ما همراه شود و در بررسی آثار باستانی سراوان، کارش را روی شناسایی و مستندسازی سنگ‌نگاره‌های سراوان متمرکز کند و به انجام برساند. او به رسم علاقه به این حوزه و دوستی دیرینه‌ای که با من داشت، پذیرفت. امروزه افراد زیادی روی این موضوع در بلوچستان کار می‌کنند و می‌دانم یقیناً نام او را هم شنیده‌اند؛ اما شوربختانه کمتر از او و کارهایی که در این باره انجام شده، نام می‌برند. چرا که پیش از بررسی باستان‌شناسی سراوان هیچ‌کس به ارزش این مجموعه هنری باستانی پی نبرده بود و بدون تردید مجتبی سهم انکارناپذیری در شناخت و معرفی این بخش از هنر باستانی بلوچستان به اساتید و پژوهشگران بومی استان داشته است.

اکنون با توجه به مطالعاتی که در این باره انجام شده است، می‌توان ادعا کرد که در بلوچستان ایران با یکی از کم‌نظیرترین و بزرگ‌ترین مجموعه‌های هنر صخره‌ای روبه‌رو هستیم که به غیر از چند مقاله و گزارش تاکنون اطلاع جامعی دربارهٔ آن‌ها در دست نبوده است و حتی پروندهٔ ثبتی این آثار که همان سال تهیه شد، به دلیل اینکه این آثار را فاقد ارزش ثبتی می‌دانستند، از طرف دفتر ثبت پذیرش نشد. مجموعه پیش‌رو یک سال پس از پایان بررسی سراوان، به همت و پشتکار نگارندگان تهیه شد که متأسفانه با بدقولی‌ها و پشت گوش انداختن‌های مسئولان، انتشار آن به تعویق افتاد و اکنون پس از گذشت ده سال از آن روزها به پیشنهاد دکتر سیدسجادی و همت انتشارات پل فیروزه آمادهٔ انتشار می‌شود.

تقریباً همگی سنگ‌نگاره‌هایی که در این کتاب معرفی می‌شود، در دره‌های پُریچ‌وخم کوهستان سیاهان قرار گرفته‌اند و بنابراین برای پرهیز از ارائهٔ جغرافیایی گسترده‌تر از محل کشف این آثار هنری-تاریخی و در نظر داشتن این احتمال که

شاید در آینده در مناطقی دیگر از سراوان چنین آثاری یافت شود، صرفاً نام سراوان برای عنوان این کتاب در نظر گرفته شد. در کتاب پیش رو پس از ذکر مقدمه و مطالب عمومی دربارهٔ زمینه پژوهشی سنگ‌نگارهای ایران و جغرافیای منطقه، به معرفی سنگ‌نگارهای سراوان پرداخته شده است. در این کتاب تلاش شده تا هر مجموعه سنگ‌نگاره با توجه به موقعیت جغرافیایی آن در دره یا منطقه مشخص، معرفی شود. همچنین پس از معرفی این مجموعه تاریخی، چهار مقاله مجزا در تحلیل سنگ‌نگارهای مختلف از طرف نگارندگان ارائه شده است.

مقاله نخست از بخش پیوست کتاب پیش رو، برای نخستین بار منتشر می‌شود و در آن به توصیف و تحلیل مجموعه نقوش سنگ‌نگارهای درهٔ بندیک پرداخته شده است. مقاله دوم با رویکردی مشابه به تحلیل و بررسی نقوش صخره‌ای درهٔ مرزبانیک می‌پردازد. ترجمه انگلیسی این مقاله در سال ۲۰۱۳ در نشریه *TIME & MIND* به چاپ رسیده است. در مقاله سوم به ارائه دیدگاه‌های مختلفی دربارهٔ بحث تاریخ‌گذاری سنگ‌نگارها پرداخته شده است. این مقاله در کتاب مجموعه مقالات یادنامه دکتر سیدمنصور سیدسجادی در دست انتشار است. در مقاله چهارم نیز سنگ‌نگارهای معروف درهٔ نگاران بررسی شده‌اند.

امیدوارم که انتشار این مجموعه با همهٔ کاستی‌هایی که دارد بتواند پیشکشی باشد به روان مجتبی و شادی هرچند کوچک برای خانواده‌اش. روحش شاد و یادش زنده است.

حسین مرادی. بروجن

پاییز ۱۳۹۸

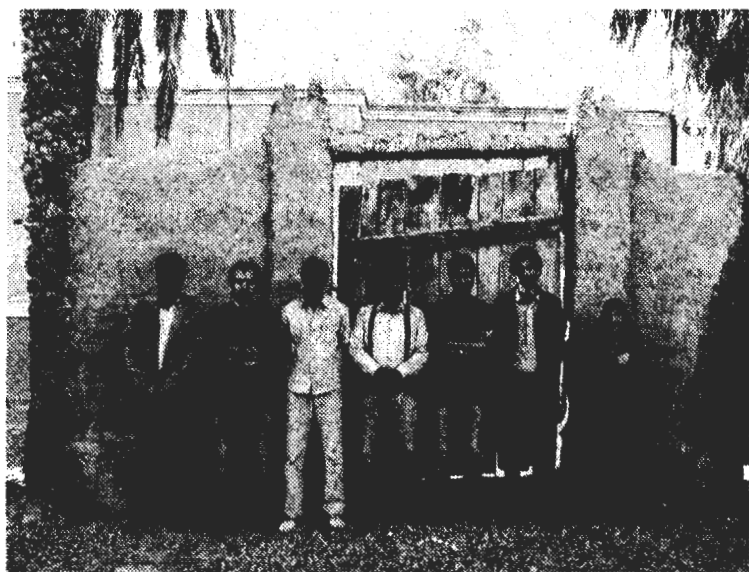
سپاسگزاری

اعضای گروه بررسی باستان‌شناسی شهرستان‌های سراوان عبارت بودند از: حسین مرادی و حسین سرحدی دادیان به‌عنوان سرپرست، سعید شنجمالی، محمد کاظم محمودی، بابک بهشید، جمشید افرندید، بهرام عنانی، سرکار خانم پروانه جنگی‌زهی و زنده‌یاد مجتبی سلطانی که همگی در آن زمان دانشجوی مقاطع مختلف تحصیلی در رشته باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان بودیم.

جناب آقای حبیب‌الله جنگی‌زهی دبیر بازنشسته جغرافیا و از چهره‌های فرهنگی سراوان چندین روز وقت و اطلاعات ارزشمند خویش را در اختیار نگارندگان نهاد تا به انجام بهتر این بررسی منتهی شود. جناب آقای مجید دولتی نیز که به‌عنوان راهنما و مراقب آثار سراوان سهم زیادی در معرفی سنگ‌نگاره‌های گشت و سراوان داشتند، از دیگر یاوران صمیمی گروه در طی بررسی بودند. کارمندان محترم اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان، به‌ویژه آقای سعید امرا نیز حق بزرگی به گروه بررسی داشتند که لازم است از خدمات آن‌ها سپاسگزاری شود. در بخش بم‌پشت بایستی از جناب آقای منصور درازهی، مراقب آثار بخش بم‌پشت، تشکر به عمل آید. همچنین لازم است تا از زحمات و محبت‌های فراوان آقای فرهاد درازهی، معلم علاقه‌مند و مهمان‌نواز در بخش بم‌پشت، سپاسگزاری شود. ایشان وقت و منزل خویش را برای بررسی منطقه در

اختیار گروه نهادند. ساسان درازهی معلم جوان منطقه نیز در این بخش زحمت همراهی و راهنمایی ما را به عهده گرفتند. امیر درازهی معلم جوان کشتگان نیز دو روز ما را مهمان لطف خویش کرده و در کشتگان راهنمای ما بودند.

در پایان لازم است تا از دوستان و همکاران میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان، به خصوص آقایان حسن شهرکی ریاست وقت، محمدصدیق دهواری مسئول میراث فرهنگی سراوان و غفور براهویی و حسین پورمند کارشناسان باستان‌شناسی اداره، کمال سپاسگزاری را به عمل آوریم.



اعضای گروه بررسی باستان‌شناسی سراوان: از راست: پروانه جنگی‌زهی، مجتبی سلطانی، بهرام عنانی، حسین مرادی، سعید شنجمالی، بابک بهشید و جمشید افرندید.

فصل نخست

مقدمه‌ای بر هنر صخره‌ای

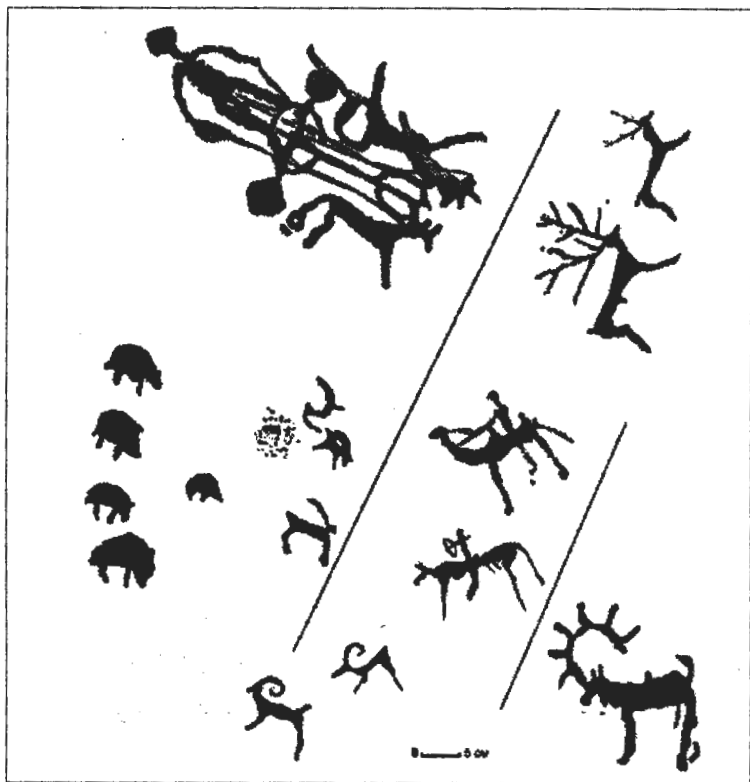
هنر صخره‌ای و سنگ‌نگاره‌ها

سنگ‌نگاره‌ها گونه‌ای از هنر صخره‌ای^۱ هستند که دارای گستره جغرافیایی وسیعی در دنیا بوده و از نظر زمانی نیز از نوسنگی جدید تا قرون معاصر را در بر می‌گیرند. این هنر از اولین گونه‌های شناخته شده هنر انسانی است که برخی از آن‌ها در دنیا مطالعه و تاریخ‌گذاری دقیق شده‌اند.

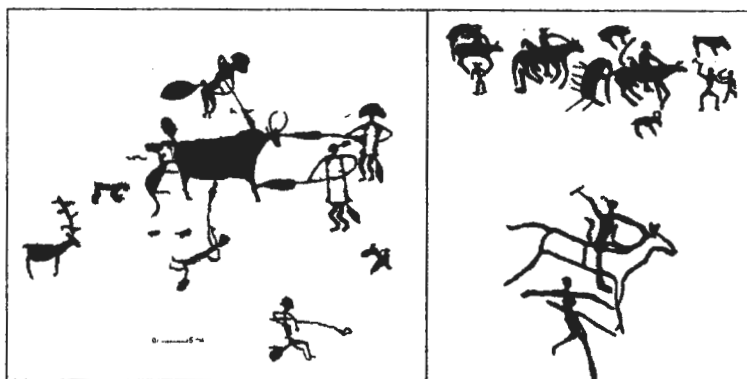
سنگ‌نگاره‌ها با دو روش نقوش کنده Petroglyph و نقاشی Pictograph ایجاد شده‌اند. Petroglyph دارای ریشه‌ای یونانی است و در زبان یونانی باستان این کلمه از دو بخش Petros به معنی سنگ و glyphein به معنی کنده‌کاری تشکیل یافته است. مجموعه‌های سنگ‌نگاره‌ها و هنر صخره‌ای تقریباً در تمامی مناطق جهان، در مکان‌هایی چون غارهای پارینه‌سنگی تا کوه‌های مرتفع وجود دارد. ده‌ها میلیون نگاره یا نقش‌مایه هنر صخره‌ای تاکنون کشف شده‌اند. این مجموعه عظیم، مدارکی است که ما از تکامل ساختارهای پیچیده اجتماعی انسان‌ها در دست داریم (بدناریک، ۱۳۷۷: ۴-۱۰).

در سال‌های اخیر مطالعات نسبتاً گسترده‌ای در مناطق مختلف دنیا از آسیای مرکزی، مغولستان، قرقیزستان، افغانستان، پاکستان و سبیری تا اروپا و آمریکا و

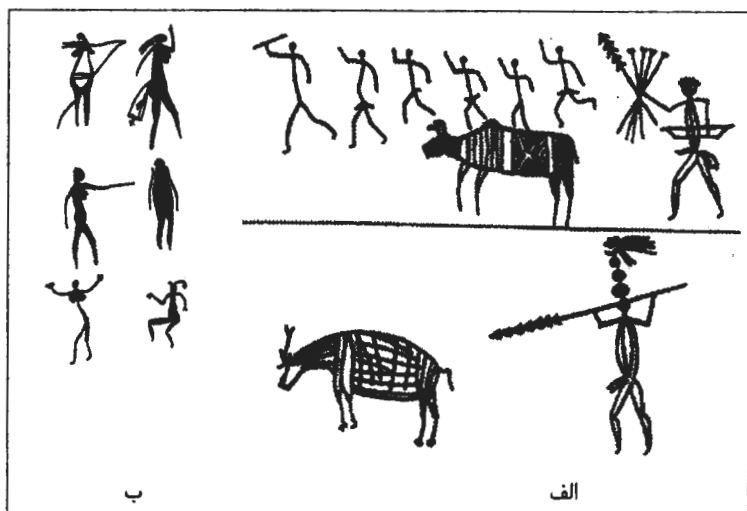
استرالیا انجام شده است (شکل ۱ و ۲). از دیگر کشورهایی که دارای سنگ‌نگاره هستند، می‌توان به مناطق مختلف شبه‌قاره هند اشاره کرد (Agrawal, 1982: 79-86) (شکل ۳). همچنین باید به کشورهای ترکیه، آذربایجان و ارمنستان نیز اشاره کرد. برخی از نقوش سنگ‌نگاره‌های این سه کشور اخیر با نمونه‌های به‌دست آمده از شمال غرب ایران قابل مقایسه است (رفیع فر، ۱۳۸۴: ۱۳۸). از دیگر مناطق مهم برای درک و تفسیر این گونه هنر بدوی، مناطق مختلف قاره اروپا است که اولین مطالعات نیز از آنجا شروع شده است (Nash & Chippindale, 2002). قاره آفریقا (Francis, 2005; Hoerle, 2005). قاره آمریکا و استرالیا نیز جایگاه ویژه‌ای در این تحقیقات دارند (شکل ۴ و ۵).



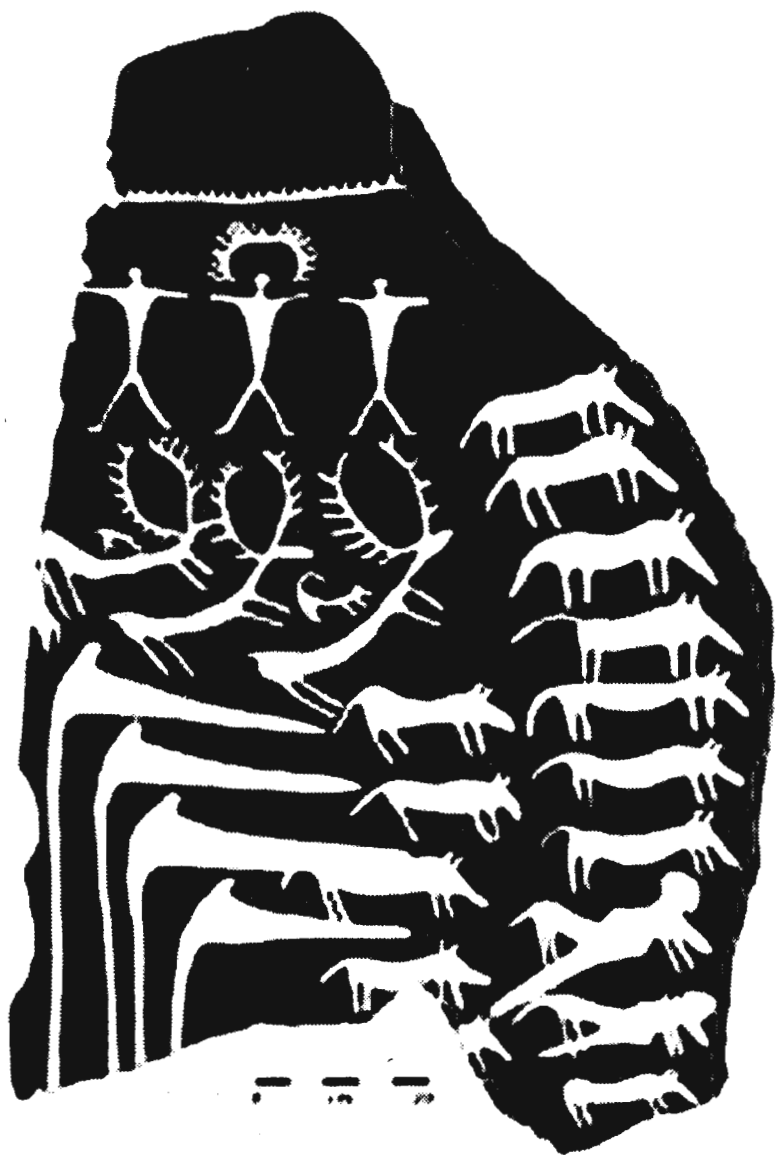
شکل ۱: سنگ‌نگاره‌های آسیای مرکزی، مغولستان (Jacobson et al, 2006: 151)



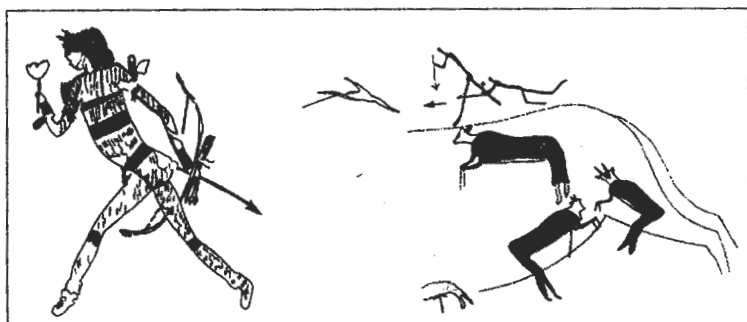
شکل ۲: صحنه‌هایی از شکار دسته‌جمعی، شناسایی شده از مغولستان (Jacobson et al. 2006: 163)



شکل ۳: سنگ‌نگاره‌های هند: الف) صحنه شکار و رقص؟
ب) گونه‌های مختلف تصویر زن (Agrawal, 1982: 79-86)



شکل ۴: نمونه‌ای از سنگ‌نگاره‌های اروپا (Nash & Chippindale, 2002: 135)



شکل ۵: چند نمونه از سنگ‌نگاره به‌دست آمده از آفریقا (Francis Thanckeray, 2005, fig. 2)

اولین نمونه‌های هنر صخره‌ای متعلق به دوره پارینه‌سنگی در خاورمیانه و اروپاست. نمایش پیکر در محیط به‌صورت شکل‌های طبیعی تعدیل‌یافته برای نخستین بار در فلسطین (بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار سال قبل) پدیدار شده و سپس در سبیری و اروپای مرکزی مشاهده می‌شود (۳۰ تا ۲۵ هزار سال قبل). تا حدود ۳۰ هزار سال پیش، هنر صخره‌ای شامل آثار پیچیده انگشت بر سطوح غار در استرالیا و اروپا و خطوط محیطی دست انسان در فرانسه می‌شد. به تدریج تصویرهای دو بعدی در اروپا پدیدار شدند که کهن‌ترین نمونه آن در غارهای فرانسه قرار گرفته و حدود ۳۲ هزار سال قدمت دارد. تا حدود بیست هزار سال قبل که در مقیاس تاریخ بشر نسبتاً اخیر به حساب می‌آید، فرهنگ‌ها به طور درخور توجهی شروع به تغییر کردند. در اروپای غربی، مردمان دوران پارینه‌سنگی جدید، سنت‌های پیچیده‌ای در هنر تصویرهای حجمی برای استفاده زینتی یا آئینی ابداع کردند و حدود پانزده هزار سال پیش این سنت تصویرگری انسان، شاهکارهای شکوهمندی را در غارهای آلتامیرا (اسپانیا) و لاسکو (فرانسه) آفریده بود. این زمان در اصل زمان آفرینش ظریف‌ترین هنر صخره‌ای با چند رنگ مختلف است که با دست‌های توانای هنرمندان استاد، نقاشی شده یا شکل گرفته است. از انتهای عصر یخبندان به بعد، یعنی حدود ۱۰ هزار سال قبل، هنر صخره‌ای در خارج از غارها پدیدار می‌شود و ما بیشتر، سنگ‌نگاره‌های کنده شده را مشاهده می‌کنیم (بدناریک، ۱۳۷۷: ۴-۱۰) (شکل ۶ و ۷).



شکل ۶: سنگ‌نگاره‌های دوره گاسولا، حدود ۸۰۰۰ تا ۳۰۰۰ قبل از میلاد، عرض تقریباً ۲۲/۵ سانتی‌متر، اسپانیا. (گاردنر، ۱۳۷۹: ۳۹)



ب



الف

شکل ۷: الف) نقش گاو؛ ب) نقش اسب، معروف به اسب چینی، غار لاسکو، حدود ۱۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ قبل از میلاد، دوردونی فرانسه. (گاردنر، ۱۳۷۹: ۳۲-۳۵)

استفاده از سطح سنگ‌ها و صخره‌ها به عنوان بستری مناسب برای ثبت هنر، اندیشه و باور، پس از دوران پارینه‌سنگی تا دوره‌های نوسنگی، عصر مفرغ و حتی سده‌های اخیر ادامه داشته است؛ ولی از دوره مفرغ و دوران تاریخی است که ایجاد گونه‌ای دیگر از نقوش صخره‌ای، یعنی نقش برجسته‌ها رواج می‌یابد. باید دقت کرد که شیوه ایجاد سنگ‌نگاره‌های بدوی از دوره پارینه‌سنگی تا عصر حاضر با

پشتوانه فرهنگی و مادی جوامعی ایجاد شده‌اند که نوعی زندگی ابتدایی و ساده داشته و به همین دلیل این آثار جلوه‌ای عمومی و ساده دارند که ایجاد آن‌ها از عهده هر شخصی ممکن است برآید. با توجه به همین نکات است که مردم‌شناسان فارغ از قدمت نقوش، به آن‌ها و مفاهیم پنهان در پس آن‌ها می‌اندیشند.